

قدرت و سیاست در میدان ورزش

www.ketab.ir

تألیف و ترجمه:
حمیدرضا اله یاری

سرشناسه: الهیاری، حمیدرضا، ۱۳۶۴ -
عنوان و پدیدآور: قدرت و سیاست در میدان ورزش/تالیف و ترجمه حمیدرضا الهیاری.
مشخصات نشر: تهران - مرکزی: فرهنگ مهریاد، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۲۴۴ ص.
شابک: ۵۰۰۰۰۰ ریال ۵-۹-۹۸۴۰۵-۶۲۲-۹۷۸:
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه.

موضوع: ورزش -- جنبه‌های سیاسی
Sports-- Political aspects
موضوع: ورزش و دولت
Sports and state
موضوع: ورزش -- ایران -- جنبه‌های سیاسی
Sports -- Political aspects -- Iran
رده بندی کنگره: G۷۷۰۶/۳۵
رده بندی دیویی: ۷۹۶/۰۶۹
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۴۲۵۴۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

www.ketab.ir

قدرت و سیاست در میدان ورزش
مؤلف: حمیدرضا الهیاری
چاپ و صحافی: کهن
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ اول: ۱۴۰۰
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان
شابک: ۵-۹-۹۸۴۰۵-۶۲۲-۹۷۸
ناشر: فرهنگ مهریاد
تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.
تلفن: ۰۹۱۰۸۰۵۷۱۹۷

ISBN: 978-622-98405-5-9



مقدمه	۷
فصل اول: فرآیندهای سیاسی و جهانی ورزش	۱۱
فصل دوم: ابعاد قدرت و سیاست در ورزش	۱۹
فصل سوم: ورزش و هویت	۵۷
فصل چهارم: ورزش و فرآیند ملت سازی	۷۹
فصل پنجم: ورزش و بازتولید هژمونی زنانه	۹۳
فصل ششم: جریان قدرت و ثروت در ورزش	۱۰۹
فصل هفتم: شخصیت های سیاسی و ورزش	۱۲۵
فصل هشتم: ورزش و ناسیونالیسم	۱۵۷
فصل نهم: ورزش و نظم سیاسی - اجتماعی در شهرها	۱۷۵
فصل دهم: ورزش و سیاست دو کشور های پی ثبات	۱۹۳
فصل یازدهم: قدرت و سیاست در مسابقات ورزشی بومی	۲۰۵
فهرست منابع:	۲۲۵

مقدمه:

رابطه‌ی ورزش با سیاست با وجود پافشاری فدراسیون‌های ورزشی برای جداسازی این دو مقوله از یکدیگر، هم‌چنان رابطه‌ای پایدار و تنگاتنگ است. دست کم در ایران، آمیختگی ورزش با سیاست به مقوله‌ای آشنا و بدیهی تبدیل شده است؛ چرا که ورزش ایران عمدتاً بازنمایی از ساختار سیاست و اقتصاد در ایران است. هم‌چنانکه روند سیاست در ایران با پدیده‌ی کلانتالیسم^۱ (حامی‌پروری) مختل شده است، ورزش نیز با تاسی از سیاست (سیاست به معنای big policy یا قدرت) به پدیده‌ی کلانتالیسم دچار شده است. در این فرآیند، ورزش به جای آنکه میدانی اجتماعی برای همه‌ی شهروندان باشد، به فضایی برای کانون‌های قدرت و ثروت تبدیل می‌شود که ورزش را به عنوان ابزاری در راستای افزایش حفظ و تقویت منافع و متامع شخصی - گروهی تبدیل می‌کنند.

مهم‌ترین آسیب پدیده‌ی حامی‌پروری، این است که ورزش از مقوله‌ی ملی به جولانگاهی برای گروه‌ها و جریان‌ها تبدیل می‌شود. در کشورهای اروپایی از آنجا که ورزش پدیده‌ای مربوط به دولت-ملت است، همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها در سطوح محلی تا ملی، در خدمت اهداف ملی قرار می‌گیرد؛ در ایران، اما به دلیل جدا شدن ورزش از مقوله‌ی دولت ملی و هژمونی گروه‌ها و جریان‌ها در آن، همه‌ی راهبردها و کنش‌ها حتی اگر به ضرر منافع ملی باشد، از سوی گروه هژمون پی‌گیری می‌شود.

در مرحله‌ای بالاتر، زمانی که تعارضی شدید میان منافع ملی و گروه‌ها پدید می‌آید، گروه‌ها همه‌ی امکانات و رانت‌های موجود را به کار می‌گیرند تا صرفاً منافع گروهی و جریانی خود را تأمین کنند؛ حتی اگر به ضرر منافع ملی تمام شود.

نمونه‌ی آن قراردادهای غیرشفاف و عجیب و غریب در فوتبال است که منعقد کنندگان قراردادهای لزومی به شفاف‌سازی نمی‌بینند، چرا که شفاف‌سازی پدیده‌ای مرتبط با دولت ملی است و زمانی که پای منافع گروهی به میان می‌آید، عدم شفافیت در اولویت قرار می‌گیرد؛ چرا

که این گروه‌ها صرفاً در فضای سیاسی بسته، غیررقابتی و غیرشفاف رشد و نمو می‌یابند. این روند در مقیاسی پیچیده‌تر، باعث رواج دلالتی و نخبه‌کشی می‌شود و هرچه روندهای ورزشی و سیاسی، بسته و غیرشفاف بماند، به سود این جریان‌های رانتی است؛ به همین دلیل است که این جریان‌ها علاقه‌ای به ورود نهادهای بین‌المللی در ورزش ایران یا عضویت مؤثر ایران در نهادهای ورزشی ندارند؛ چراکه ورود به مجامع بین‌المللی، مستلزم شفافیت در روندهای ورزشی است.

مجموعه کنش‌ها و تحولات رخ داده در ورزش ایران در حالی است که بیشینه نیروهای سیاسی ایران، قائل به مردمی‌سازی و مردمی بودن ورزش هستند. شمار زیادی از شخصیت‌های سیاسی ایران یا به صورت حرفه‌ای و یا از سر علاقه‌مندی انواع مختلفی از ورزش‌ها را پیگیری و به آن اهتمام ورزیده‌اند. از میره‌ی عملی رهبری و اهتمام عملی ایشان به ورزش‌های جمعی و فردی (مانند پیاده‌روی و کوهنوردی) گرفته تا اشتغال یا علاقه‌مندی روسای مختلف جمهور تا شخصیت‌های دینی و سیاسی به ورزش؛ از جمله ابراز علاقه‌مندی محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور پیشین به بازی فوتبال؛ علاقه‌ی وافر هاشمی رفسنجانی به ورزش شنا؛ اشتغال حرفه‌ای به ورزش‌های باستانی از سوی ناطق نوری؛ علاقه‌ی شمار زیادی از ائمه‌ی جماعت سابق و فعلی به دو ورزش اسب‌سواری و تیراندازی (که از سوی پیامبر اسلام به این دو ورزش توصیه شده است) نیز نشان از آن دارد که تاکید بر همگانی‌سازی ورزش، برآیند لزوم توجه جدی به مقوله‌ی ورزش است.

آنچه از سیاق و گرایش شخصیت‌های برجسته‌ی سیاسی و دینی به ورزش می‌توان استنباط کرد، تاکید بر مردمی‌سازی و ملی‌سازی مقوله‌ی ورزش است؛ به گونه‌ای که ورزشکاران به عنوان نماینده‌ی ملت ایران، بازتابی از فرهنگ و تمدن غنی ایرانی - اسلامی را نمایان سازند. در راستای دستیابی به چنین فرایندی، مهمترین اولویت، به کارگیری و تقویت دیپلماسی ورزشی است. یکی از پرسش‌های بنیادی در حوزه‌ی ورزش ایران این است که چگونه کشوری با عظمت تمدنی و فرهنگی ایران، نتوانسته است کرسی مهمی در فدراسیون‌های جهانی و حتی آسیایی به دست آورد؟ کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های دیپلماسی رزشی در کشور تا اندازه‌ای است